

مسافر بر های بی هویت و قربانیان خاموش شهر



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

قتل تلخ و تکان دهنده دختر دانشجوی ۲۳ ساله به دست راننده مسافر بر فراری، تنها یک پرونده جنایی نیست؛این حادثه، زنگ خطری جدی برای امنیت اجتماعی، مدیریت شهری و اعتماد عمومی است،جنایتی که نه تنها جان یک جوان را گرفت، بلکه موجی از نگرانی، اضطراب و بی‌اعتمادی را در جامعه زنده کرد. موجی که این بار، زیر سایه فضای سنگین سیاسی و نگرانی های منطقه ای کمتر از آنچه باید دیده و شنیده شد.

گذشت بیش از ۱۲ روز از وقوع این حادثه بدون شناسایی متهم، پرسش های جدی درباره کارآمدی سازوکار های پیشگیری و واکنش به جرم ایجاد کرده است. در شرایطی که خانواده ای داغدار، چشم انتظار عدالت است و افکار عمومی با نگرانی اخبار را دنبال می کند، قاتل احتمالا آزادانه در شهر یا خارج از آن، در حال رصد اخبار و فاصله گرفتن از چنگ قانون است.

این نخستین بار نیست که جنایتی در پوشش مسافربر، افکار عمومی را شوکه می کند. پیش تر نیز پرونده قتل الهه حسین نژاد که با شیوه های مشابه به وقوع پیوسته، جامعه را با واقعیتی تلخ روبه رو کرده است؛اینکه برخی مجرمان، حرفه حمل و نقل مسافر را به پوششی برای ارتکاب جرم تبدیل کرده اند.

بررسی پرونده های جنایی سال های اخیر نشان می دهد بخش قابل توجهی از جرائم خشن، سرقت ها و حتی قتل ها در قالب مسافربری شخصی یا اینترنتی رخ داده است. مجرمانی که با استفاده از اعتماد طبیعی شهروندان، خود را راننده ای معمولی معرفی می کنند و قربانیان بی خبر از نیت پنهان آنها، سوار خودرو می شوند.

نکته نگران کننده اینجاست که برخی از این افراد حتی موفق شده اند وارد سامانه های تاکسی اینترنتی شوند؛ سامانه هایی که قرار بود با احراز هویت، ثبت سوابق و سیستم نظارتی، امنیت سفر را تضمین کنند. پرونده الهه حسین نژاد نمونه ای آشکار از ضعف در غربالگری رانندگان بود؛ فردی با سابقه مجرمانه که توانسته بود به شبکه حمل و نقل رسمی راه پیدا کند.

این واقعیت، ضرورت بازنگری جدی در سازو کار های نظارتی را برجسته می کند. وقتی جان شهروندان به خطر می افتد، دیگر نمی توان به حداقل ها قانع بود.

یکی از ابعاد نگران کننده این پرونده، کاهش حساسیت اجتماعی نسبت به وقوع چنین جنایاتی است. جامعه ای که درگیر فشار های اقتصادی، نگرانی های سیاسی و اخبار ناگوار روزانه است، گاه توان واکنش جمعی خود را از دست می دهد. قتل یک دختر جوان که باید به مطالبه ای فراگیر برای اصلاح ساختار ها تبدیل شود در میان آنبوه خبرها کمرنگ می شود.

این بی تفاوتی تدریجی، بزرگ ترین فرصت برای مجرمان است. وقتی حساسیت اجتماعی کاهش می یابد، فشار افکار عمومی بر نهادهای مسئول کم می شود و روند اصلاحات نیز کند تر خواهد شد.

مجرمان همواره از شکاف های امنیتی بهره می برند. نبود پوشش کامل دوربین های شهری، ضعف نظارت بر خودرو های شخصی فعال در حمل و نقل، کمبود گشت های هدفمند و ناهماهنگی بین سامانه های اطلاعاتی از جمله خلأ هایی است که بستر جرم را فراهم می کند.

مچیز بودن خیابان ها، ورودی ها و مسیر های برون شهری به دوربین های نظارتی یکی از مؤثر ترین ابزار های بازدارنده است. تجربه کشورهای مختلف نشان داده که شبکه یکپارچه پایش تصویری می تواند میزان جرائم خشن را به طور چشمگیری کاهش دهد.

البته پلیس در بسیاری از پرونده ها با موانع جدی روبه روست؛ از خودرو های سرقتی و پلاک های مخدوش گرفته تا تغییر مسیر های مکرر مجرمان. با این حال، استفاده هوشمندانه از داده ها، تحلیل چهره، ردیابی مسیرها و همکاری میان دستگاه ها می تواند مسیر کشف جرم را کوتاه تر کند.

در کنار مسئولیت نهادهای رسمی، نقش شهروندان نیز انکارنا پذیر است. رعایت اصول ایمنی فردی، نخستین سد در برابر وقوع جرم است. استفاده از وسایل حمل و نقل رسمی، اطلاع دادن مسیر سفر به خانواده، پرهیز از سوار شدن به خودرو های ناشناس و بررسی مشخصات راننده، اقداماتی ساده، اما حیاتی هستند. فرهنگ ایمنی باید از سطح توجیه های پراکنده فراتر برود و به بخشی از سبک زندگی شهری تبدیل شود. امنیت، محصول مشترک قانون، مدیریت و رفتار شهروندی است.

یکی از ریشه های گسترش مسافربری های غیر رسمی، ضعف زیرساخت های حمل و نقل عمومی است. کمبود خطوط مترو، اتوبوس های فرسوده، ساعات نامناسب فعالیت و پوشش نا کافی مناطق حاشیه ای، بسیاری از شهروندان را به استفاده از خودرو های شخصی و غیر رسمی سوق می دهد.

وقتی شهروند نتواند به در دسترس نداشته باشد، ناچار به انتخاب پر خطر می شود. توسعه حمل و نقل عمومی ایمن، ارزان و گسترده نه تنها یک پروژه عمرانی، بلکه یک راهبرد پیشگیری از جرم است.

پرونده قتل دختر دانشجو، آذمونی برای نظام مدیریت شهری، پلیس، نهادهای نظارتی و جامعه مدنی است. این پرونده نباید

در آرشبو اخبار بایگانی شود. هر روز تأخیر در اصلاح ساختار ها می تواند به تکرار فاجعه ای دیگر منجر شود.

نیاید منتظر «فرمانی بدعی» ماند تا دوباره موجی از اندوه و خشم شکل بگیرد. پیشگیری همواره کم هزینه تر از درمان

است؛ چه در حوزه سلامت و چه در امنیت اجتماعی. امنیت، احساس نیست؛ نتیجه سیاست گذاری درست، نظارت

مؤثر و مشارکت آگاهانه مردم است. تا زمانی که ساماندهی مسافر بر های شخصی جدی گرفته نشود، خلأ های نظارتی

ترمیم نشوند و فرهنگ ایمنی نهاد نی نگردد، شهر همچنان

برای برخی مجرمان، میدان فرصت خواهد بود.

قتل این دختر جوان، یک هشدار است؛ هشدار ی که اگر شنیده نشود، ممکن است فردا با صدای بلند تر و دردناک تر تکرار شود. شهری امن ساخته نمی شود، مگر آنکه همه از مسئول تا

شهروند، سهم خود را در حفظ آن بپذیرند.

کشف جسد دختر گمشده نشان می دهد وی به همان شیوه الهه حسین نژاد به قتل رسیده است

پلیسی به دنبال قاتل دختر دانشجو

غلامرضا مسکنی

تماس هراسان یک دختر با پلیس، آغاز پرونده ای شد که دو روز بعد به کشف جسد دختری ۲۳ ساله در بیابان های اطراف حسن آباد قشقاوی به انجامید؛ دختری که پس از سوار شدن به خودروی سواری ناشناس، به رفتار های راننده مشکوک شده و لحظاتی پیش از قطع تماس، فریادهای کمک خواهی اش از پشت تلفن شنیده شد. تحقیقات پلیس نشان می دهد این دانشجوی گرافیک، قربانی راننده مسافر کشی نباشی شده که پس از قتل، اموال او را سرقت و جسدش را رها کرده است.

دقایقی از ساعت ۱۸:۳۰ عصر روز سه شنبه هفتم بهمن ماه گذشته بود که دختری هراسان و وحشت زده با اداره پلیس تهران تماس گرفت و اعلام کرد برای یکی از دوستانش اتفاقی رخ داده است.

آغاز پرونده ای تلخ

دوست مقتول گفت: «دوستم که همکلاسی ام است، لحظاتی قبل با من تماس گرفت و گفت از یکی از خیابان های جنوبی تهران سوار خودروی سواری شده تا به خانه شان برود، اما رفتار های راننده او را نگران کرده است. با هم صحبت می کردیم که ناگهان صدای فریادهای کمک خواهی اش بلند شد و دوباره بود با راننده در گیر شده است. تلفن قطع شد و دوباره تلفن همراه دوستم را گرفتم و تماس برقرار شد و فقط صدایش به گوشم می رسید که گریه و التماس می کرد و بعد هم تلفن برای همیشه قطع شد. سپس من با خانواده او تماس گرفتم و حادثه را خبر دادم که فهمیدم دوستم به تلفن های خانواده اش هم جواب نداده است. الان نگرانم برای دوستم اتفاق بدی رخ داده باشد.»

اعلام مفقودی

با اعلام این خبر، به سرعت تیمی از کاراگاهان پلیس آگاهی به دستور مقام قضایی تحقیقات خود را آغاز کردند و در یافتند دختر جوان همسراه خانواده اش در قرچک ورامین زندگی می کند و پس از این تماس، خانواده اش هم به کالتری محل رفته و اعلام مفقودی کرده اند.

روایت خانواده از آخرین تماس

یکی از اعضای خانواده به مأموران گفت: «دخترم دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

دانشجوی تر آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و

معماری پارس است و قرار بود اسفندماه از پایان نامه اش دفاع کند.

معروف به عنوان طراح مشغول به کار شد.»

وی ادامه داد: «او هر روز از محل کارش در نزدیکی میدان آرژانتین با مترو به ایستگاه نیرو هوایی می آمد و پدرش با خودرویش منتظرش می ماند و او را به خانه می آورد، اما امروز گفت به دلیل خستگی و بی حوصلگی ایستگاه نیرو هوایی نمی رود و در ایستگاه جوامنرد چون پیاده روی ایستگاه نیرو هوایی تا محل سوار شدن خودروی پدرش زیاد بود. ما منتظرش بودیم که دوستش با ما تماس گرفت و حادثه را به ما خبر داد و بعد هم که با او تماس گرفتیم، جواب نداد و الان نگرانیم.»

ردیابی آخرین مسیر از طریق دوربین های

مترو

با ثبت این شکایت، پرونده به دستور مقام قضایی در اختیار تیمی از کاراگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی قرار گرفت. تحقیقات مأموران نشان داد دختر ۲۳ ساله روز حادثه ساعت ۱۷ عصر از محل کارش نزدیکی میدان آرژانتین خارج می شود و به سمت نزدیک ترین ایستگاه مترو می رود. دوربین های مترو نشان می دهد او وارد ایستگاه می شود و ساعت حدود ۱۸ و ۲۰ دقیقه از ایستگاه مترو جوامنرد قصاب بیرون می آید.

دوربین های مترو نشان می دهد وی یک کت زمستانی کرم رنگ همراه شلوار مشکی به تن دارد و شال کرم قهوه ای هم به سر و ماسکی هم به صورت دارد. او برای سوار شدن به خودروی سواری به سمت خیابان می رود و ساعت ۱۸:۳۰ با فاصله زیادی از دوربین های مدار بسته سوار خودروی سواری می شود که به دلیل دوری، نوع خودرو خیلی مشخص نیست.

شک، ارسال لایو لوکیشن و در گیری با

راننده

دقایقی پس از سوار شدن، او به رفتار های راننده مشکوکی می شود و احساس می کند راننده خودرو سارق و زورگیر است و قصد دارد او را خفت کند. به همین دلیل ابتدا احساس خطر می کند و در گروهی تلگرامی برای دوستانش لایو لوکیشن می فرستد که مشخص است وی در میانه راه است.

دختر گمشده پس از این، بیشتر نگران می شود و برای اینکه به راننده بفهماند از نیت او باخبر است، با یکی از

دوستانش تماس می گیرد و به او می گوید که به راننده مشکوک شده است و او را باخبر می کند. حین تماس راننده با او در گیر می شود و دوست او متوجه حادثه می شود و به پلیس و خانواده وی خبر می دهد.

بن بست در شناسایی راننده

با توجه به حساسیت موضوع، کاراگاهان تحقیقات گسترده ای برای یافتن ردی از دختر جوان و شناسایی راننده خودروی سواری آغاز کردند، اما تمامی تلاش ها به بن بست رسید، چون دختر جوان هیچ اطلاعاتی از راننده و خودرویش به دوستش نگفته بود. از سوی دیگر معلوم شد راننده خودرو فرد خلافکار حرفه ای است که هیچ ردی از خود به جا نگذاشته است.

کشف جسد در بیابان های حسن آباد قم

در حالی که تحقیقات برای پیدا کردن دختر گمشده ادامه داشت، روز پنج شنبه نهم بهمن ماه، دو روز بعد از حادثه، به مأموران پلیس خبر رسید مرد جوانی در بیابان های اطراف حسن آباد قشاقویه جسد دختر جوانی را پیدا کرده که مقداری از بدنش را حیوانات خورده اند. از آنجایی که جسد شباهت زیادی به دختر گمشده داشت، مأموران خانواده او را به پزشکی قانونی دعوت کردند و آنها در سردخانه پزشکی قانونی جسد دختر شان را شناسایی کردند.

روود پرونده به مرحله قتل

با کشف جسد دختر جوان، پرونده وارد مرحله تازه ای شد و تیمی از کاراگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را درباره حادثه قتل دختر جوان آغاز کردند. آثار کبودی های روی بدن و گردن و ضربات چاقو نشان می داد مقتول ابتدا با قاتل در گیر شده و در اثر همین درگیری آثار کبودی روی بدنش نمایان است و در ادامه هم قاتل ضربات چاقویی به او وارد کرده است.

سرقت پس از قتل و فرار قاتل

قاتل پس از قتل، جسد را در بیابان های اطراف حسن آباد رها و پس از سرقت طلاها و جواهرات، تلفن همراه، کارت بانکی و وسایل دیگر او فرار می کند.

شباهت هولناک به پرونده ای دیگر

تحقیقات در حالی برای شناسایی قاتل دختر جوان ادامه دارد که بررسی ها حکایت از آن دارد وی نیز به همان شیوه الهه حسین نژاد دختر اسلامشهری از سوی راننده مسافر کشی نمایی به قتل رسیده است.

دو سارق حرفه ای که با فریب زنان

سالخورده در نقاط مختلف تهران، طلای آنها را سرقت می کردند، دستور انتشار تصویر بیرون پوشش متهمان از سوی قاضی صادر شده است.

به گزارش «جوان»، سرهنگ کاراگاه امین اله بیرانوند، فرمانده پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: پس از ثبت شکایت یک زن سالمند در محله هروی، بررسی ویژه پرونده در دستور کار کاراگاهان قرار گرفت. تحقیقات نشان داد دو متهم با شناسایی زنان سالم خورده در معابر عمومی و میادین میوه و تره بار، با بهانه کمک در حمل خریدها و استفاده از چرب زبانی، اعتماد آنها را جلب و در فرصتی مناسب اقدام به سرقت طلاجات می کردند. نخستین سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد و مأموران پس از

سرخه ای این پرونده به اردیبهشت ماه سال جاری بازمی گردد